از شهرک سنگ‌تراشان تا پایتخت ایران

نمایی از گاراژ اطمینان و بازار سنگ‌تراش‌ها/ عکاس: ناشناس

شیرین سیدی

«سال ۱۹۳ه.ق.» هارون‌الرشید که برای آرام کردن شورش‌های خراسان به این خطه لشکرکشی کرده بود، به علت بیماری در طوس درگذشت. او را در باغ حُمَید بن قَحطبه طایی طوسی که در اراضی قریه سناباد و در جوار شهر نوقان طوس قرار داشت دفن کردند. ۱۰ سال بعد مأمون عباسی هم که حضرت رضا(ع) را به عنوان ولیعهد خود معرفی کرده بود، این امام را به شهادت رساند و درست بالای سر پدرش هارون، به خاک سپرد. مرقد حضرت رضا(ع) باعث شد که طی چند قرن اراضی روستای سناباد به یک شهر بزرگ تبدیل شود، آن‌چنان که روستاهای اطرافش را نیز در بر گرفت.

مشهدِ دوره تیموری

گرچه دودمان‌های طاهری، سامانی و غزنوی (حاکمان سده‌های سوم تا پنجم خراسان) سُنّی مذهب بودند، به آبادانیِ حرم حضرت رضا(ع) و مشهد توجه داشتند، آن‌چنان که کاریز مشهد را احیا و جاری کردند، کاروان‌سرایی در این شهر ساختند و موقوفاتی به این کاریز و کاروان‌سراها اختصاص دادند. در آن روزگار شغل عمده مردم مشهد سنگ‌تراشی بود. اما از آنجا که قدیمی‌ترین آثار تاریخی به‌جا مانده در مشهد یادگار دوره تیموریان است، می‌توان گفت که این شهر از همین دوره به یک شهر درجه یک در خراسان تبدیل شد. در واقع پس از شهادت حضرت، شهرک مشهدالرضا(ع) در مجاورت شهر نوقان شکل می‌گیرد و شیعیان و سادات در آن ساکن می‌شوند؛ همین مهم جمعیت مشهد را به یکباره افزایش می‌دهد، درحالی‌که سرزمینی خشک است و با مشکل جدی کمبود آب مواجه است.

بااین‌همه پس از آنکه ملکه وقت، یعنی گوهرشاد خاتون، مسجد جامع شهر را بنا می‌کند و بناهای دیگری نیز به حرم مطهر رضوی می‌افزاید، بار دیگر توجه رجل سیاسی تیموری به این شهر جلب می‌شود، تا آنجا که امیرشاه ملک مقبره‌ای برای خود در این شهر می‌سازد که حالا به «مسجد شاه» معروف است. همچنین «گنبد خشتی»، «مصلای طرق» و «چهارباغ» از دیگر آثاری است که از این دوره به فهرست بناهای به یادگار مانده در مشهد اضافه می‌شود؛ با این ساخت‌وسازها مشکل بزرگ مشهد یعنی کم‌آبی بار دیگر رخ عیان می‌کند. در این زمان است که امیرعلی‌شیرنوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا، تصمیم می‌گیرد تا با حفر کانال، آبِ چشمه گیلاس را به مشهد منتقل کند؛ این تصمیم تا حدودی لب‌های تشنه مشهد را تر می‌کند اما به‌طور کامل برطرف نمی‌شود و نبودِ آب کافی همچنان مشکل اصلی شهر باقی می‌ماند.

مشهدِ دوره صفوی

سر کار آمدنِ صفویان شیعه‌مذهب، سرآغاز تحولاتِ زیادی در مشهد است؛ صفویان و در رأس آن‌ها شاه عباس که حتی مراسم تاج‌گذاری اولیه‌اش بر روی کوهسنگی مشهد برگزار شد با سیاست‌پیشگی، مردم را تشویق می‌کردند تا برای زیارت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) به مشهد بیایند؛ به این شیوه، مردم کمتر به سمت اماکن مقدس خارج از مرزهای ایران که در تصرف دشمن بزرگشان یعنی عثمانی بود، ترغیب می‌شدند؛ اما حضور زائر در مشهد نیازمند امکاناتی بود؛ ازهمین‌رو با موقوفات فراوان سعی شد این شهر برای زائران به مقصدی امن و مرفه تبدیل شود. در راستای این بهسازی‌ها، شاه عباس، بالاخیابان را که یکی از قدیمی‌ترین خیابان‌های ایران است احداث و آب چشمه گیلاس و چند قنات دیگر را در آن جاری کرد؛ این خیابان با ۳ کیلومتر درازا از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر امتداد داشت. همچنین مدرسه‌های دینی نظیر «مدرسه میرزا جعفر» و «عباس‌قلی‌خان» در این دوره به فهرستِ داشته‌های مشهد اضافه می‌شود؛ این مدارس که هر کدام به منزله دانشگاهی در روزگار خود بودند سبب شدند تا مشهد در نیمه دوم سده ۱۱ قمری به یکی از کانون‌های فرهنگی-آموزشی مهم کشور تبدیل شود. وجود مدارس و کانون‌های فرهنگی پایِ سادات رضوی و موسوی، سرداران قزلباش شاملو و استاجلو، طلاب علوم دینی و علمای بزرگ تشیع را به مشهد باز کرد و سبب شد تا پس از آن ما این افراد را هم در ساختارِ جمعیتی شهر ببینیم. وجود این جمعیت، ارائه خدمات به زائران، تجارت و تعلیم و تربیت را به اصلی‌ترین مشاغل مردم شهر تبدیل کرد. همچنین تصوف و عرفان ذهبیه نیز در این دوران رواج پیدا می‌کند و وجود ۲ مقبره مشهور به «پیرپالاندوز» و «گنبد سبز» شاهدی بر این مدعاست.

مشهد دوره افشاری

نادرشاه افشار پس از گذاشتن تاج مرواریدنشان بر سر، مشهد را به عنوانِ پایتخت خود انتخاب می‌کند؛ این انتخاب چهره این محدوده را از شهری مذهبی به اقلیمی سیاسی-نظامی تغییر می‌دهد؛ پس از آن است که به واسطه غنایم و گنج‌های فراوان نادر که حاصل پیروزی او در لشکرکشی به هندوستان و دیگربلاد است، مشهد با شتابی بی‌سابقه گسترش و اهمیت پیدا می‌کند، تا آنجا که جمعیتِ آن به حدود ۶۰ هزار خانوار می‌رسد؛ این بار نادر مشکل کم‌آبیِ شهر را با انتقالِ آب بند گلستان حل می‌کند. توسعه کَاخ‌باغ حکومتی چهارباغ و احداث عمارت‌های جدید هشت‌بهشت، ساخت چند کاروان‌سرای جدید و توقف نهضت مدرسه‌سازی در مشهد را می‌توان از عمده‌ترین موارد تغییرات کالبدی شهر در این دوره نام برد. پس از قتل نادر مشهد نه تنها از مرکزیت سیاسی کشور افتاد، بلکه مرکزیت خراسان را هم از دست داد و با پایان دوره افشاری دوباره جمعیت به چندهزار خانوار کاهش یافت.

مشهد دوره قاجاری

سال ۱۲۱۸ وقتی قاجارها مشهد را فتح کردند، فصلی جدید در تاریخ این شهر گشوده شد، به‌طوری‌که از این دوره به بعد، مشهد پیوسته مرکز خراسان قرار می‌گیرد. افزون بر این، در این دوره سپاهیان زیادی که عموما از خارجِ خراسان به این ولایت رهسپار شده بودند، مشهد را تبدیل به شهری نظامی کردند. درگیریِ والی خراسان با حکام هرات، اُزبکان بخارایی، خوارزمی و ترکمانان دشتِ خاوران بر تاریخ و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی کالبدی مشهد اثر می‌گذارد که مهاجرت ۱۰۰۰ خانوار مروی به مشهد در پی جدایی این شهر از ایران و همچنین از دست رفتن هرات زمینه‌ساز این تحولات است. از سوی دیگر در این قرن، ترکمان‌تازی در اطراف مشهد شدت گرفته است و سبب ناامنی و کوچ مردم روستاهای هم‌جوار به مشهد می‌شود؛ انعقاد قرارداد «آخال» در آخرین سال این قرنِ قمری (۱۲۶۰خورشیدی) عامل توقف ترکمن‌تازی‌ها و بازگشت آرامش می‌شود. اما بالاخره در سال ۱۲۸۵خورشیدی انقلاب مشروطه، تحولاتی را در کشور رقم می‌زند که می‌توان آن‌ها را در مشهد با تغییر اداره شهر از قالب سنتی به شیوه نوین شهرداری و تأسیس بلدیه و ایجاد تأسیساتی چون لوله‌کشی آب، احداث کارخانه برق، ورود اتومبیل و ایجاد اداراتِ حکومتی نوین مشاهده کرد.

هسته مرکزی شهر به روایت تاریخ

مروری کوتاه بر سیر تحولات جغرافیایی و فرهنگی بافت پیرامونی حرم مطهر رضوی؛ از گذشته تا امروز

شیرین سیدی، هما سعادتمند | **از روزگاری که حرم مطهر رضوی نقطه ثقل مشهد شده، قرن‌ها می‌گذرد. در پس این سال‌ها هر تغییری که در این شهر رخ داده، درنهایت به وجود آستان ملک پاسبان حضرت رضا(ع) مربوط بوده است؛ از تغییر گذرگاه‌ها و معابر، ایجاد بازارها، ساخت حمام‌ها و احداث مراکز علمی گرفته تا سکنا گزیدن قومیت‌ها و هسته‌های جمعیتی مختلف با آداب و رسوم متفاوت. آخرین این تغییرات، اجرای طرحی است که «نوسازی و بهسازی بافت فرسوده پیرامون حرم مطهر رضوی» نام دارد و هنوز که هنوز است پایان نگرفته است. بیست سالگی این طرح سبب شد تا نقبی بزنیم به گذشته شهری که تا پیش از اجرای این طرح بود و حالا نیست؛ شهری که ما آن را به عنوان مشهد قدیم می‌شناسیم و این روزها ردپای خاطراتش را تنها می‌توان در کتاب‌ها، اسناد و مطالعات تاریخ‌نگاران و مشهدی‌پژوهان یافت.**

مشهد و پیشه‌ای با عنوان «نایب‌الزیاره شاهنشاه»

سال «۱۲۵۷شمسی» یک شاهزاده قاجاریِ دارالفنون‌رفته به نام «زین‌العابدین میرزای قاجار» گزارشی خانه‌به‌خانه از ساکنان مشهد تهیه می‌کند و در آن شرح وضعیت سلامت، پیشه و شغل، تعداد خانه‌ها، خدم‌وحشم و هرآنچه باید و اجازه داشته است، موبه‌مو شرح می‌دهد. یکی از مواردی که این شاهزاده قجری در سرشماری خود تحریر کرده، شغل و پیشه مشهدی‌ها در حدود یک قرن‌ونیم پیش است. براساس تقریرات زین‌العابدین میرزا، مشاغل آن دوره به چهار دسته دولتی، آستانه، نظامی و پیشه‌ور تقسیم می‌شده است. طبق این سرشماری، مشهد آن روزگار ۴۰شغل دولتی داشته که ۸۹۳نفر در آن مشغول به خدمت بودند. همچنین در این سرشماری، ۳۳۶عنوان شغلی ثبت شده که ۶۰درصد سیاهه آن را مشاغل پیشه‌وری و شغل‌هایی چون بقالی، شعربافی، طلبگی، زارعی، خبازی، بنایی، تجارت و علافی پر کرده است اما طبق آمار این سرشماری، حرم مطهر رضوی و آستان قدس، خود عاملی برای اشتغال جمع کثیری از ساکنان مشهد در آن روزگار بوده است، به‌طوری‌که ۶۰۵نفر با ۶۹عنوان شغلی، کارمند آستان قدس بوده‌اند و به مشاغلی چون «نوکری آستانه»، «دربانی آستانه»، «زیارت‌نامه‌خوانی» و «کیشیک چی باشی» اشتهار داشته‌اند. جالب است بدانید در آن روزگار یک شغل خاص دولتی با عنوان «نایب‌الزیاره شاهنشاه» هم بوده که فردی به‌نام «میرزاعبدا...خان»، ساکن محله نوغان، به آن مشغول بوده است. «میرزا عبدا...خان» وظیفه داشته است هر روز به نیابت از شاهِ وقت یعنی ناصرالدین شاه قاجار به زیارت حرم برود. همچنین در این سیاهه سرشماری، از مشاغلی مانند حافظی (آن‌ها که بر سر قبر تازه‌درگذشتگان سه شبانه‌روز اول بعد از موت نماز می‌خواندند)، کفن‌نویسی (این افراد که معمولا ساکن محله‌های عیدگاه، نوغان و بالاخیابان بودند، بر روی کفن‌ها دعا می‌نوشتند و از این طریق به پارچه، ارزش و قیمت می‌دادند) و دعاگویی (کسانی بودند که بر سر قبر تازه‌گذشتگان دعا می‌خواندند) در کنار زنجیرزنی و سینه‌زنی و چوخه‌دوزی به‌عنوان مشاغل ویژه مشهدی‌ها نام برده شده است، در جایی از این کتاب آمده که آن سال‌ها یک چوخه‌دوز در محله نوغان ساکن بوده و همو لباس مخصوص پهلوانان کشتی چوخه در خراسان را تهیه می‌کرده است. تا از قلم نیفتاده، باید گفت که این شغل‌ها ممکن است در شهرهای دیگر هم افرادی را به خود مشغول می‌کرده اما مسلما در مشهد رونق دیگری داشته است.

مهاجران و جمعیت جدید شهر

زیارتی بودن مشهد از قرن‌ها پیش سبب شده است این شهر سوای اینکه متعلق به مشهدی‌ها باشد، خانه امید و رحل اقامت زائران ایرانی‌تبار بسیاری باشد که از راه‌های دور و نزدیک خود را به مشهد خراسان می‌رساندند و مجاور می‌شدند اما سوای این جمعیت، براساس تقریر «زین‌العابدین میرزای قاجار»، در هسته جمعیتی مشهد می‌توان ردپای مهاجران خارجی بسیاری را دید. به گفته او، قدیمی‌ترین گروهی که به مشهد مهاجرت کرده‌اند، هزار خانوار مروی بوده‌اند که در سال «۱۲۲۳ق» به‌سبب بیرون رفتن مرو از سرحدات ایران به داخل کوچیده و مشهدی شده‌اند. این گروه ظاهرا در تپل‌محله نوغان مستقر شده و تا سال ۱۳۰۰قمری در همان محله می‌زیسته‌اند.

هروی‌های ایرانی‌تبار دومین گروه مهاجر به مشهد بوده‌اند که شیعه‌مذهب بودنشان، آنان را به خراسان کشانده است؛ علت این مهاجرت که در سال «۱۲۷۳» رقم خورده، بیرون رفتن هرات از قلمرو نفوذ سیاسی ایران و دست‌اندازی انگلیسی‌ها به آن بیان شده است. علاوه‌بر این، قندهاری‌ها و حتی بخارایی‌ها را که کوی کوچکی نیز در مشهد داشته‌اند، می‌توان جزو جمعیت مهاجر شهر دانست، زیرا خان‌ها و شاهزاده‌های افغانستانی که از حکام پیشین هرات و طرفدار ایران بوده‌اند، به‌منظور جلب حمایت ایران و بازگشت به جایگاه پیشین خود، وظیفه‌ای(شغلی) در شهر داشته‌اند. علاوه‌بر این‌ها درحدود سال‌های ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۸قمری نادرشاه افشار هزار خانوار یهودی یا به قول منابع، ارمنی را از حدود نخجوان به مشهد کوچاند و آن‌ها را بیرون دروازه پایین‌خیابان اسکان داد؛ طایفه‌ای که بعدها با نام «جدیدالاسلامی» شهره می‌شوند، درواقع بقایایِ همین هزار خانوار یهودی هستند که در محله عیدگاه ساکن بوده‌اند. درباره «جدیدالاسلامی» خوانده شدن آن‌ها روایتی وجود دارد که دهان‌به‌دهان نقل شده است. این روایت می‌گوید که در روز عاشورا یا عید قربان «۱۲۵۵ شمسی» یکی از یهودی‌های مشهد به‌سبب بیماری پوستی‌ای که داشت، سگی را کشت تا از پوست یا خون آن برای مداوای بیماری خود استفاده کند؛ همین امر سبب شد تا گروهی فرصت‌طلب این اتفاق را توهین به اسلام تلقی کنند و عامه مردم مسلمان شهر را علیه آن‌ها بشورانند. این رویداد سبب کشته شدن تعداد بسیار زیادی از یهودیان شهر می‌شود، از همین‌رو باقی‌مانده آنان از پسِ آن روز تظاهر به مسلمانی می‌کنند و به جدیدالاسلامی شهره می‌شوند. از آمار محله عیدگاه و دیگر محلات شهر چنین برمی‌آید که ۱۱۱خانوار با عنوان جدید در سال ۱۲۹۵ قمری در محله عیدگاه، ۲خانوار در محله سرشور و یکی هم در محله همجوار بالاخیابان مسکن داشته‌اند. ناگفته نماند که در مشهد گروهی که با توصیف «غرشمار» شناخته می‌شدند، هم بخشی از جمعیت مهاجر هستند که تارخ‌نگار کتاب «نفوس ارض‌اقدس» از آن‌ها با عنوان «غریب‌زاده» یاد می‌کند.

یادی از برج و باروی شهر

اما سوای ساختار جمعیتی شهر مشهد بناهای تاریخی بسیاری داشته که این روزها کمتر نشانی از آن‌ها باقی مانده است. برج و باروی مشهد یکی از این بناهاست که سال‌ها پیش از بین رفته است اما رد پای بقایای خشت و گلی آن را می‌شود در خاطرات موسفیدکرده‌ها از مشهد ۵۰سال پیش جست‌وجو کرد. این برج و بارو رانخستین‌بار درپی دعوای میان اهالی مشهد و توس به سال «۵۱۰ه.ق» عضدالدین فرامرز علی بر گِرد شهر کشید اما ازآنجاکه مشهد برخلاف دیگر شهرهای خراسان تاحدودی از ویرانی هجوم اقوام غز، مغول و تیموری درامان بود، چندان به کار شهر نیامد و با گذشت زمان در گزند باد و باران تخریب شد، به‌طوری‌که در دوره تیموری به‌سبب نبود باروی مشخص، روستاهای نزدیک شهر را هم گاه به‌عنوان محلات شهر مشهد شمرده‌اند. در آن زمان مسافت بین شرق و غرب مشهد یعنی از «گنبد خشتی» تا «مقبره امیرشاه ملک»، مهم‌ترین گذرگاه شهر بوده است. پس از این دوران در زمان شاه طهماسب، بارویی دولایه بر گرد شهر کشیده می‌شود که طول آن را ۹کیلومتر نوشته‌اند. این حصار چهار دروازه به نام‌های «سراب»، «نوقان»، «عیدگاه» و «میرعلی آموی» داشته که با کشیده شدن خیابان در زمان شاه‌عباس صفوی، دو دروازه «بالا و پایین‌خیابان» نیز به درگاه‌های آن اضافه می‌شود.

ارگ مشهد

ملک محمود سیستانی در سال‌های «۱۱۳۵ تا ۱۱۳۹ش» کنترل مشهد را به دست می‌گیرد و دعوی سلطنت می‌کند. او به‌سبب احساس ناامنی و غربتی که در مشهد داشته، نخستین ارگ را در حاشیه جنوبی شهر احداث می‌کند. از آن پس این ارگ به‌یادگارمانده، به ضلع جنوب‌غربی شهر اهمیت نظامی می‌بخشد و دروازه جدید ارگ هم بر دروازه‌های پیشین افزوده می‌شود.

غسال‌خانه مشهد

تا سال ۱۳۱۵ غسال‌خانه عمومی مشهد در محوطه‌ای در انتهای راسته چهارباغ و در مجاورت بازار بزرگ قرار داشت که پس از انتقال غسال‌خانه به خیابان طبرسی، دراختیار مردم قرار گرفت. این غسال‌خانه تا پیش از تخریبش در سال ۱۳۶۵، به‌عنوان انبار اسقاطی استفاده می‌شده است.

گورستان قدیمی شهر

همچنین تا پیش از دوران نوگرایی و تغییر در بافت سنتی شهر، دفن مردگان در آستان قدس، خواجه‌ربیع و خواجه‌اباصلت و قبرستان قدیمی شهر که به «قبرستان قتلگاه» معروف بود، کاری معمول بوده اما بعد از مشروطیت و ایجاد بلدیه، دفن مردگان در محلات شهری منسوخ و کفن و دفن اموات تنها در گورستان‌های عمومی نظیر گورستان «قلعه گلشور» یا «گورستان گل‌ختمی» و اماکن مذهبی انجام می‌شود. جز این‌ها مشهد هشت قبرستان محلی نیز داشت که قبرستان «میرهوا» در فلکه گنبدسبز، «قبرستان سراب» در بازارچه سراب، «قبرستان حوض‌لقمان» در ابتدای خیابان خواجه‌ربیع، «قبرستان مسیحی‌ها» در خیابان فردوسی و «قبرستان یهودی‌ها» در فلکه ۱۷شهریور از آن جمله بوده‌اند.

درگذر بازارها

راه ارتباطی بین نوغان، سناباد و توس پس از شهادت حضرت رضا(ع) و زیارتی شدن مشهد، به یک گذرگاه زیارتی و تجارتی به نام «بازار» تبدیل شد و چون زیارتگاه‌ها همیشه از مراکز تجاری پررونق زمانه خود بودند، می‌توان «بازار سناباد توس» را یکی از بازارهای قدیمی ایران دانست. این بازار در طول زمان دستخوش تغییرات فراوانی شد اما در سال ۱۳۵۳ به‌علت طرح توسعه فلکه حضرت به‌طور کامل تخریب شد. همچنین جالب است بدانید که مشهد تا دو دهه پیش و قبل از اجرای طرح بهسازی بافت پیرامون حرم و تخریب محلات قدیمی خود، دارای ۸بازار قدیمی و حدود ۴۰سرا و کاروان‌سرای معروف بوده است. در این میان از حمام‌ها و آب‌انبارها و نهر نادری را که مشهدی ها به آن نهر شاهی هم می‌گفتند باید جزو میراث تخریب‌شده مشهد قدیم نام برد که تعداد دقیق آن‌ها مشخص نیست.

عکاس محمد صانع/سال ۱۳۵۰

نکته **این گزارش حاصل گفت‌وگو با مهدی سیدی، مشهدی‌پژوه، تاریخ به‌جامانده از «مشهدالرضا(ع)»ی احمد ماهوان، کتاب کمیابِ «نفوس ارض‌اقدس»، اسناد و دیگر منابع مکتوب است.**

نخستین تاسیسات شهری مشهد

- **۱۲۸۱ خورشیدی:** نخستین کارخانه برق شهری مشهد به همت حاج باقر میلانی و به مهندسی حیدرخان عمو اوغلی تأسیس شد و در کوچه برق سابق مورد استفاده قرار گرفت.
- **۱۳۰۰ خورشیدی:** نخستین مرکز تلفن مغناطیسی در مشهد راه اندازی شد.
- **۱۳۱۸ خورشیدی:** حمل و نقل عمومی درون شهری از درشکه به اتوبوس تغییر کرد.
- **۱۳۳۵ خورشیدی:** نخستین قطار راه آهن از تهران وارد مشهد شد.
- **۱۳۳۹ خورشیدی:** نخستین لوله‌کشی آب آشامیدنی در مشهد انجام شد.
- **۱۳۴۲ خورشیدی:** سازمان اتوبوس رانی برای ساماندهی حمل و نقل عمومی تاسیس شد.
- **۱۳۴۷ خورشیدی:** برای نخستین بار گازرسانی به مشهد از چاه اکتشافی خانگیران سرخس انجام شد.
- **۱۳۴۷ خورشیدی:** هواپیمای مسافربری جت برای نخستین بار در فرودگاه مشهد به زمین نشست.

مهم‌ترین بلایای طبیعی مشهد

- **۱۰۸۴قمری:** زلزله با مرکزیت نیشابور شهر را لرزاند که در آن ۴۰۰نفر کشته شدند و به گنبد حرم مطهر رضوی، مسجد گوهرشاد، بازار و چند بنای دیگر در آن سال‌ها خسارت‌های شدیدی وارد شد.
- **۱۲۷۰ خورشیدی:** وبا همه‌گیر شد به‌طوری که یک سوم شهر به آن مبتلا شدند و مردند.
- **۱۲۸۳ خورشیدی:** وبا برای بار دوم گریبان شهر را گرفت و مرگ ۶۰۰۰مشهدی را رقم زد.
- **۱۲۹۵ خورشیدی:** وبا و حصبه توأمان ۵۰۰نفر را کشت.
- **۱۳۰۳ خورشیدی:** بیماری آنفولانزا که تا آن دوره اطلاعات دقیقی درباره آن وجود نداشت، بلایی شد و به جان مردم شهر افتاد.
- **۱۳۰۸ خورشیدی:** زلزله‌ای مهیب با مرکزیت قوچان و شیروان شهر را تکان داد.
- **۱۳۲۷ خورشیدی:** زلزله با مرکزیت شهرهای شمالی استان شهر را برای بار دیگر ویران کرد. این زلزله ۱۰۰۰کشته و مجروح در استان به جا گذاشت.
- **۱۳۲۹خورشیدی:** سیل بزرگی شهر را در نوردید. خرابی ۴۰۰خانه و آوارگی ۷۰۰خانوار آسیب به زندان، اداره برق و ساختمان شیروخورشید. سیل در کوهسنگی، آبکوه و خواجه ربیع تنها بخشی از خسارات این سیل بود.
- **۱۳۴۲ خورشیدی:** سیلی در این سال جاری شد و در آن ۱۱۰ خانه مشهد ویران شد.
- **۱۳۴۷خورشیدی:** مشهد زمستان سختی را پشت سر گذاشت. سرما در این سال به ۳۰درجه زیر صفر رسید و جان دست کم ۵نفر را گرفت.

وجه تسمیه محلات قدیمی مشهد

نوقان: ابادی نو(نو+ قان(گان، کان،گرد، کند، کن به معنی محل نشیمن)

سراب: سر آب قنات قریه سناباد؛ اراضی روستای سناباد که محل دفن حضرت رضا علیه السلام بود به سراب شهرت یافت.

سرشور: شاید آغاز کوچه شور از معابر قدیم مشهد باشد. سرشور در واقع بازار اصلی مشهد بوده که پس از سراب شکل گرفته اما زمان شکل گیری آن روشن نیست.

عیدگاه: چون با روستای سرسبز طرق که محل بهارگاه لشکر و عیدگاه بوده ارتباط داشته و مصلای طرق نیز محل برگزاری نمازهای عید فطر و قربان بوده، به این نام شهره شده است.

پایین خیابان: از آنجا که در پایین پای حضرت قرار داشته پس از احداث خیابان توسط شاه عباس صفوی به این نام شهرت پیدا کرده است.

بالا خیابان: از آنجا که در بالای سر حضرت قرار داشته پس از احداث خیابان توسط شاه عباس صفوی به این نام شهرت پیدا کرده است.

جمعیت مشهد در کتب قدیمی و سرشماری‌های مختلف

سال	جمعیت	منبع
۱۲۵۷	۵۷,۲۸۷	زین العابدین میرزای قاجار
۱۲۶۲	۵۰,۰۰۰	مطلع الشمس
۱۲۶۹	۴۵,۰۰۰	لرد کرزن
۱۲۸۸	۸۰,۰۰۰	هانری رنه دالمانی
۱۳۰۷	۱۳۰,۰۰۰	اداره آمار
۱۳۱۲	۱۵۰,۰۰۰	مکتب شاپور
۱۳۱۹	۱۷۶,۴۷۱	سرشماری های ادواری
۱۳۳۵	۲۴۱,۹۸۹	سرشماری های ادواری
۱۳۴۵	۴۰۹,۶۱۶	سرشماری های ادواری
۱۳۵۵	۶۶۷,۷۷۰	سرشماری های ادواری
۱۳۶۵	۱,۴۶۳,۵۰۸	سرشماری های ادواری
۱۳۷۵	۱,۸۸۷,۴۱۴	سرشماری های ادواری
۱۳۸۵	۲,۵۷۵,۴۲۹	سرشماری های ادواری
۱۳۹۵	۳,۰۵۷,۶۷۹	سرشماری های ادواری

۹خرداد در تقویم مشهد

سنه ۱۳۱۲ شمسی

کلنل تئودور روزولت، فرمانفرمای سابق فلیپین و از چهره‌های برجسته سیاسی آمریکا، برای دیدن مشهد وارد این شهر شد؛ روزولت در تاریخ سیاست خارجی آمریکا دستاوردهای بی‌سابقه‌ای را به ثبت رسانده است. او اجازه تحریک شورش در پاناما را صادر کرد تا از اعتراض‌ها و کارشکنی‌های کلمبیا در کانال پاناما خلاصی یابد. همچنین با میانجیگری در جنگ روسیه و ژاپن به حفظ توازن قدرت در شرق کمک کرد. همین موضوع هم باعث شد تا کلنل روزولت، نخستین آمریکایی ای باشد که جایزه نوبل را دریافت می‌کند.

سنه ۱۳۳۰ شمسی

سیدجلال‌الدین تهرانی به نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. او از مخالفان اصلاحات ارضی در دوران پهلوی دوم بود که پس از سخنرانی علیه این قانون، از استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی استعفا کرد. تهرانی بلافاصله پس از خروج شاه از ایران برای ملاقات با امام‌خمینی(ره) عازم پاریس شد. امام ملاقات با سیدجلال‌الدین تهرانی را به بعد از استعفای او از شورای سلطنت و اعلام غیرقانونی بودن آن موکول کرد. همین امر دلیلی شد تا او در اول بهمن ۱۳۵۷ استعفای خود را به شرح زیر انتشار دهد: «قبول ریاست شورای سلطنت ایران از طرف این‌جانب فقط برای حفظ مصالح مملکت و امکان تأمین آرامش احتمالی آن بود ولی شورای سلطنت به‌سبب مسافرت این‌جانب به پاریس تشکیل نشد. در این فاصله اوضاع داخلی ایران سریعا تغییر یافت، به‌طوری‌که برای احترام به افکار عمومی باتوجه‌به فتوای حضرت آیتا...العظمی خمینی مبنی‌بر غیرقانونی بودن آن شورا، آن را غیرقانونی دانسته، کناره‌گیری کردیم.» به‌گفته تاریخ‌دانان، استعفای او ضربه بدی به نظام شاهنشاهی در آن دوره وارد کرد.

سنه ۱۳۳۹ شمسی

شعبه باشگاه بین‌المللی لاینز در مشهد تاسیس شد؛ باشگاه لاینز را در سال ۱۹۱۷ یکی از فراماسونرهای آمریکایی به نام «ملوین جونز» در شهر شیکاگو تأسیس کرد و شعبه‌ای از آن در سال ۱۳۳۶ در ایران افتتاح شد. مدتی بعد، باشگاه لاینز در ۵۰شهر ایران شعبه‌هایی دایر کرد. اعضای این باشگاه‌ها در روزهای پنجشنبه سوم هر ماه، در یکی از هتل‌های شهر، جلسه تشکیل می‌دادند. موسسان، هدف ظاهری باشگاه‌های لاینز را گسترش نوع‌دوستی، حمایت از حقوق بشر و کمک به انسان‌های ستم‌کشیده بیان می‌کردند ولی آنان در نهان به‌دنبال برقراری حکومت جهانی با سردمداری آمریکا بودند.

سنه ۱۳۴۰ شمسی

درگذشت حاج‌میرزاحسن یزدی مشهور به اشرف‌الواعظین: او از عرفا، منبری‌های مشهور زمانه خود بود که کتاب‌هایی چون «جواهرالعددیه» و «جوهر کلام» را به رشته تحریر درآورده است. وی سال‌ها در مشهد مقدس اقامت کرد اما پس از مدتی به تهران رفت و در پایتخت درگذشت؛ جنازه او پس از انتقال به مشهد، در راهرو دارالضیافه دفن شد.

سنه ۱۳۵۲ شمسی

تشکیل مجمع عمومی جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد در خراسان: این جمعیت‌ها اهداف بشردوستانه‌ای چون بهداشت، تولیدمثل و تنظیم خانواده را دنبال می‌کنند و با سازمان‌های دولتی و غیردولتی بسیاری در بیش از ۱۴۰کشور جهان همکاری می‌کنند.

شهر باغ محله‌ها

نمای بست پایین خیابان/ سال ۱۳۱۹/ عکاس: ناشناس

هما سعادتمند

طبق آنچه احمد ماهوان در «تاریخ مشهدالرضا(ع)» بیان می‌کند، شهر مشهد در ابتدای دهه ۱۳۰۰ دارای برج‌وبارو و ۶ دروازه و ۶ محله مهم بوده است که هرکدام از این محلات سوای باغ‌های فراوان، آب‌انبار، کاروان‌سرا و تیمچه، یک قبرستان هم در کنار خود داشته‌اند؛ ازاین‌رو هرکدام از محلات شهر مشهد به تنهایی یک شهرک مجزا و کوچک محسوب می‌شده است. وی می‌نویسد: «تا اوایل سال‌های دهه ۱۳۰۰ش. مشهد فقط یک خیابان داشته که از غرب به شرق شهر می‌رسیده است. این خیابان به فرمان شاه عباس صفوی هم‌زمان با ساختِ صحن عتیق رضوی به صورت چهارباغی (با ۴ ردیف درخت و نهر آبی که از میانِ آن می‌گذشته) ساخته شده، از همین‌رو در زمان احداث خیابان‌های اولیه مشهد در دهه ۱۳۱۰، بیشتر معابر از میان باغات می‌گذشته است.» اما آنچه همه ما امروزه با نام مشهد قدیم می‌شناسیم در این ۶ محله خلاصه می‌شده و آن‌طور که از قراین درج‌شده در تحریر مورخان، کاتبان و سیاحان برمی‌آید، هرکدام توصیف خود را داشته است.

باغ‌نشینان سراب

این منابع محله سراب را محله اعیان‌نشینِ شهر توصیف می‌کند. سراب از آنجا که در محل مظهر قنات‌های عمده مشهد شکل گرفته بوده، باغات فراوانی داشته و چترِ سبز درختانش، سایه‌گستر رهگذران بوده است. طبق تاریخ مکتوب، ارگ شهر و محله حکومتی و اعیانی چهارباغ در محدوده سراب قرار داشته، ازهمین‌رو ساکنان آن را افراد بلندپایه مذهبی و رجل حکومتی و سیاسی تشکیل می‌داده است. در محله سراب افزون بر باغ‌های فراوان، حمام‌ها و تکیه‌های بسیاری ساخته شده بود اما تعداد کاروان‌سراها و تیمچه‌های آن به نسبت کمتر از دیگر محلات شهر بوده است. «کتاب نفوس ارض اقدس» از «آقا میرزا داوود»، فراش‌باشی آستانه، «میرزا رضا لشکرنویس»، نوکر دیوان، «یوسف‌خان هزاره»، سرتیپ و رئیس طایفه هزاره در مشهد، و «میرزا عباس خان» که گویا وکیل بوده است به عنوان افراد بانفوذ و سرشناس محله سراب نام می‌برد.

محله‌ای بدون چوب‌دار

محله سرشور یکی از ۶ محله قدیمی مشهد است که در میان محله سراب و محله یهودنشین عیدگاه قرار داشته و راه راسته بازار اصلی مشهد از آن می‌گذشته است. در این محله هیچ خانه اجاره‌ای وجود نداشته و فقرای آن کم و اغنیایش متعارف بوده است. همچنین در سرشور، کاروان‌سراها، تیمچه‌ها و باغ‌محله‌ها کم، حمام‌ها، آب‌انبارها و مساجد زیاد بوده است. یکی از ویژگی‌های بارز محله سرشور سکونت نداشتنِ صاحبان مشاغلِ روستایی نظیر چوب‌دار، دشتبان، زارع و مقنی و میراب در آن بوده است. «حاجی سید حسن»، پیش‌نماز مسجد، «میرزا غوغا»، شاعر، «ملا آقا بابا معدنی»، تاجر، و ملا سید مهدی دربان‌باشی، نوکر آستانه، از سرشناسان و ریش‌سفیدان سرشور بوده‌اند.

محله داروغه‌نشین

نگارنده کتاب «ارض اقدس»، پایین‌خیابان را فقیرترین محله شهر توصیف می‌کند که باغات در آن کم است اما در بین تمامی محلات بیشترین واحد مسکونی را دارد. قرار داشتن این محله در قسمت شرق و پایین‌دست شهر سبب شده است که آب جوی‌ها و آب‌های فصلی و فاضلاب شهر به این محله برسد و چهره کثیفی از آن ترسیم کنیم. پیشه‌وران خرده‌پا و صاحبان مشاغل فقیرانه ساکنان محله پایین‌خیابان بوده‌اند. همچنین محله کوچک قرشمال‌ها یا غریب‌زاده‌ها نیز در این محدوده زندگی می‌کرده‌اند که شغل بیشترشان خراطی و مطربی بوده است. جالب است بدانید که در این محله به سبب اراضی وسیع و حاصل‌خیز اطراف، «کربلایی حجی» و «کربلایی حسن»، داروغه‌های مزارع آستان قدس، سرشناس‌ترین افراد ساکن در این محله بوده‌اند.

محله دروازه‌دار

نام «نوغان» از سده‌های اولیه اسلامی به عنوان یکی از شهرهای توس در منابع تاریخی ذکر شده است. این محله پس از احداث باروی مشهد هم یکی از دروازه‌های چهارگانه اولیه شهر بوده است که پس از «پایین‌خیابان» بیشترین واحد مسکونی شهر را در آن ساخته‌اند. در کنار این‌ها از آنجا که نوغان در شمال شرق شهر و با تعداد زیادی روستای قدیمی و حاصل‌خیز همسایه بوده است، صاحبان مشاغل روستایی مانند زارع، گله‌دار و مال‌فروش به فراوانی در آن سکونت داشته‌اند. محله نوغان را در مجموع می‌توان محل زندگی اصناف و پیشه‌وران سنتی شهر دانست. «میرزا محمدتقی مشرف»، آشپز آستانه، «میرزا عبدا...»، خادم باشی، «ملا علی‌اکبر»، امین آستانه، «خان سوار»، خان دربان، و «حاجی محمدعلی»، شربت‌دار آستانه، از بانفوذان محله نوغان بوده‌اند.

محله‌ای بر سر راه جنگل‌ها

محله بالاخیابان، بزرگ‌ترین محله شهر بوده اما جمعیت و تعداد خانوارهای ساکن در آن به دلیل باغ‌های فراوان کم بوده است. آب خیابان و بیشتر قنات‌های مشهد از این محله وارد شهر می‌شده و شهر را سیراب می‌کرده است. قسمت سفلای بالاخیابان نیز به گفته مورخان از آنجا که نزدیک حرم بوده و میان محلات نوغان و سراب قرار داشته، اعیان‌نشین بوده است؛ ازهمین‌رو در میان ساکنان محله بالاخیابان هم نقیب سادات، شیخ‌الرئیس و صاحب‌منصب بلندپایه دیده می‌شود و هم آدم‌های بی‌هویت و صاحبان مشاغل روستایی. همچنین به سبب وجود روستاهای فراوانی که در حدفاصل دروازه بالاخیابان تا چناران واقع بوده و همچنین قرار گرفتن این محله بر سر راه جنگل‌ها و کوه‌های هزارمسجد، عمده آذوقه، علف، هیزم، هیمه و سبزی و میوه شهر از این محله به دیگر نقاط شهر می‌رفته است. «میرزا عبدالجواد»، سرکشیک نوکر آستانه، «کربلایی احد»، داروغه آب بالاخیابان، «مشهدی حسن»، کدخدا، و «حاجی میرزا شفیع»، نویسنده آستانه، بالاخیابان‌نشین بوده‌اند.

عیدگاهِ زائرپذیر

محله عیدگاه در جنوب شهر و بر سر راه ری و عراق عجم و ولایات جام و هرات قرار داشته که در زمان احداث باروی مشهد یکی از دروازه‌های شهر بوده است. این محله که میان محله متعارف سرشور و فقیرنشین پایین‌خیابان قرار داشته، محل زندگی و سکنای ۱۱۱ خانوارِ یهودی بوده است. منازل وقفی و تکایا این محله بسیار و خانه‌های اجاره‌ای‌اش در حد صفر بوده است. جالب است بدانید که نبض اقتصاد پنهان و سوداگرانه شهر در این محله می‌تپیده است و جهودهای عیدگاه پرچم‌دار این عرصه بوده‌اند. همچنین قرار داشتن این محله بر سر راه پرزائر مشهد، نیشابور و تهران، عیدگاه را به محله‌ای زائرپذیر تبدیل کرده بوده است. «مصطفی قلی‌خان شاملو»، نوکر دیوان، «حاجی محمد صادق بخارایی»، تاجر، «حاجی ابوالقاسم»، رئیس پست‌خانه، «ملا حسن»، از اولاد خواجه اباصلت، که به شغل خادمی اشتهار داشته است و «شاهزاده عباس»، وظیفه‌خوار و نوکر دولت، از عیدگاه‌نشینانِ بانفوذ بوده‌اند.